

سرمایه فرهنگی سدی در برابر بیگانگی اجتماعی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان شهرستان سقز)*

محمد حریری اکبری^۱

حسن صالح‌نژاد^۲

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی با مفهوم بیگانگی اجتماعی است. براساس دیدگاه پی-یر بوردیو سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از منش‌ها، شیوه‌های بیان، اشکال مختلف دانش، سلیق و در مجموع شیوه‌های زندگی است که در بین افراد معمول است. به نظر بوردیو افرادی که در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی بالاتر قرار دارند، نوع مصرف کالاهای فرهنگی، منش‌ها و الگوهای متفاوتی دارند و افراد متعلق به طبقات بالا بیشتر به سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. به این ترتیب است که کنشگران اجتماعی به وسیله نوع مصرف، کالاهای فرهنگی خود را طبقه‌بندی می‌کنند و تمایزات راهبردی را نسبت به طبقات دیگر اعمال می‌کنند. در این راستا، افراد طبقات پایین جامعه با پدیده‌ای بنام بیگانگی اجتماعی مواجه می‌شوند. این مطالعه به صورت پیمایشی در بین ۳۷۱ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز انجام شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی رابطه معکوس و معنی‌دار از لحاظ آماری وجود دارد اما شدت این رابطه ضعیف است.

کلید واژه: سرمایه فرهنگی، بیگانگی اجتماعی، بازتولید فرهنگی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۵

۱- استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران mhariri@tabrizu.ac.ir

۲- گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران h.salehnezhad@gmail.com

۱- مقدمه

بیگانگی به مفهوم عام آن که برخی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی از آن به گونه‌ای گسترده برای تبیین برخی از اشکال کنش‌ها و واکنش‌ها به جریانات اجتماعی و واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات بیرونی و نیز توضیح انفصال فرد از نظام ارزش‌ها، باورها، هنجارها، اهداف فرهنگی و همچنین جهت اشاره به انفعال، بی‌علاقگی و عدم مشارکت اجتماعی - سیاسی و صور آسیب‌شناختی مشارکت استفاده کرده‌اند، از مفاهیمی است که در تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقه‌ی طولانی دارد و ریشه‌های آن به نخستین دوره‌های تاریخ منظوم برمی‌گردد؛ آثار اولیه آن در بخش‌هایی از تاریخ فلسفی، مذهبی، اسطوره‌ای و ادبیات کهن مشهود است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱، ۱۲۴). بیگانگی عموماً به معنای جهت‌گیری منفی احساسات ناهماهنگ فرد، احساس بی‌معنی بودن زندگی، احساس جدایی از خویشان و بیزار بودن از ارزش‌های جامعه است. به عبارتی نوعی پاسخ یا عکس‌العمل فرد نسبت به فشارها، تنش‌ها، ناملازمات زندگی و اختلاف دیدگاه‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌شود (رسولی، ۱۳۸۵، ۲).

سرمایه فرهنگی از منظر پی‌یر بوردیو مجموعه‌ای از عادات، منش‌ها، شیوه‌های بیان، اشکال مختلف دانش، سلیق و در مجموع شیوه‌های زندگی است که در بین افراد معمول است (Turner, 1998: 434). سرمایه فرهنگی کارکردش بیشتر مشروعیت بخشیدن به باورهای فرهنگ طبقه حاکم است. البته سرمایه فرهنگی تنها به وسیله‌ی فرهنگ برتر ساخته نشده است بلکه عوامل خارجی دیگری برای مثال اینکه دانشجویان سرمایه فرهنگی را در شکلی از مهارت‌های فکری انتقادی، مهارت‌های نوشتاری و مهارت‌های علمی به ارث می‌برند. در جوامع سرمایه‌داری، سرمایه فرهنگی نابرابری را در بین افراد توزیع می‌کند و طبقه مسلط قادر است تعریفش را از واقعیت برای تمام طبقات دیگر در معرض نمایش بگذارد (Bourdieu, 1990:4).

به تعبیر پی‌یر بوردیو اگر در صدد فهم جهان هستیم باید ایده سرمایه و انباشت آن، همچنین تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم. به اعتقاد بوردیو سرمایه می‌تواند دارای اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. یعنی این امکان وجود دارد که موقعیت افراد و خانواده را از لحاظ سرمایه فرهنگی آنها مورد بررسی قرار دهیم. سرمایه فرهنگی آن گونه که بوردیو توصیف کرده است بیانگر سرمایه‌گذاری طبقه مسلط در بازتولید مجموعه‌ای از نمادها و معانی است که توسط طبقه‌ی تحت سلطه غلط درک و درونی شده و آن را به مثابه نمادها و معانی طبقه خود پذیرفته‌اند. در اینجا سرمایه‌گذاری در کنش‌های آموزشی فرآیند بازتولید همچون تعلیم و تربیت و آموزش قرار دارد که هدف از آن تلفیق توده‌ها (طبقه تحت سلطه) به‌عنوان عاملان اجتماعی می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند و این نمادها و معانی را بدست

آوردند. بدین ترتیب تصویر ساختار اجتماعی از مبارزه دوگانه آشتی‌ناپذیر به تصویر گفتمان‌های لایه‌بندی شده تغییر می‌یابد. از طرف دیگر به چگونگی سرمایه‌گذاری عاملان به عنوان کنشگرانی که برای کسب ارزش افزوده کارشان سرمایه‌گذاری می‌کنند پرداخته می‌شود و کنش به‌عنوان مؤلفه‌های مهم در نظریه‌های جدید سرمایه تلقی می‌شود (Lin, 1990: 1-5).

بورديو معتقد است که طبقه مسلط در جامعه سرمایه‌داری سلطه خود را آشکارا اعمال نمی‌کند. طبقه مسلط جامعه سرمایه‌داری از قدرت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین سود می‌برد؛ قدرتی که در سرمایه‌فرهنگی و سرمایه اقتصادی تجسم یافته، با جایجایی نهادها و اعمال جامعه در هم تنیده است و توسط همین نهادها بازتولید و اعمال می‌شود. بدین ترتیب که کنشگران اجتماعی براساس نوع مصرف کالاها فرهنگی خود را طبقه‌بندی می‌کنند و با اظهار علاقه به فرآورده‌های فرهنگی معین و ابراز سلیقه و ذوق در مورد آن قابل طبقه‌بندی هستند. مصارف فرهنگی بر حسب طبقات و اقشار اجتماعی متغیر است و به فضای اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، یعنی به حجم سرمایه نمادین و سرمایه فرهنگی که در اختیار هر طبقه می‌باشد وابسته است. به بیان ساده‌تر مصرف کالاها فرهنگی، تاحدی تعیین‌کننده رفتار فرهنگی هر طبقه است. با قبول فرضیه بورديو مبتنی بر تأثیر سرمایه‌فرهنگی بر بیگانگی اجتماعی تحقیق حاضر در جستجوی آن است که ضمن بررسی تجربی دو مفهوم مهم، یعنی سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی، به بررسی پیوند و همبستگی بین آنها بپردازد. بنابراین مسأله اصلی در تحقیق زیر این است که آیا بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی همبستگی وجود دارد یا نه؟

مسأله مورد نظر از آن جهت حائز اهمیت است نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوب ذیل را برای جامعه به دنبال داشته باشد: محرومیت اکثریت اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، نزول سطح مشارکت همگانی مؤثر در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، محدودیت در گردش اطلاعات و جذب دانش‌های نوین و کاهش ارزش تغییر در جامعه، درچنین شرایطی تغییرپذیری در جامعه کاهش می‌یابد و تغییرات اجتماعی کند و ناعقلانی می‌شود و اکثریت افراد در جامعه نقش پیرو را بازی می‌کنند (چلبی، ۱۳۷۵، ۲۱۴). سرمایه فرهنگی ارتباط تنگاتنگی با بیگانگی اجتماعی دارد. بیگانگی اجتماعی عمدتاً از عوامل موقعیتی و شرایطی ناشی می‌شود؛ ازجمله این عوامل می‌توان به سرمایه فرهنگی یا میزان دسترسی به منابع معرفتی اشاره نمود. همچنین می‌توان به این نکته پرداخت که برای دانش‌آموزان چه نوع سرمایه فرهنگی فراهم است و علیرغم وجود نابرابری ساختاری در نظام آموزشی از چه نوع سرمایه فرهنگی باید استفاده نمود.

۲- پیشینه نظری تحقیق

سرمایه در نزد بورديو به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند در جامعه به صورت انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابطش با سایر افراد و گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره برد. سرمایه می‌تواند اقتصادی (ثروت)، اجتماعی (مجموعه روابط و پیوندهای قابل استفاده)، فرهنگی (تحصیلات، دانش و فرهنگ کسب شده) و یا حتی نمادین (پرستیژ و کاریزما) باشد. سرمایه‌ها در مجموع کل را برای هر فرد یا هر گروه اجتماعی می‌سازند که موقعیت آنها را در جامعه یا میدان مشخص می‌کنند (فکوهی، ۱۳۸۴).

سرمایه بسته به میدانی که در آن عمل می‌کند به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود؛ ۱. سرمایه اقتصادی که مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآمد ۲. سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآمد ۳. سرمایه اجتماعی که از تعهدات اجتماعی و ارتباطات ساخته شده و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و ممکن است به صورت اشکالی از اشرافیت درآمد (Bourdieu, 1986:243).

بورديو در کتاب بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی به بحث راجع به این می‌پردازد که والدین طبقات بالا و متوسط سرمایه فرهنگی را در شکل‌های مختلف زبانی و توانمندی‌های فرهنگی به فرزندان خود می‌بخشند. موفقیت تحصیلی در مدرسه مستلزم بهره‌مندی از این قابلیت‌های فرهنگی است که فرزندان طبقات پایین آن را نیاموخته‌اند. بدین ترتیب ارزیابی‌های آموزشی مدرسه که به ظاهر خنثی به نظر می‌رسد از طریق تغییر شکل قابلیت‌های اجتماعی و فرهنگی به صورت سلسله مراتب دستاوردهایی که ظاهراً پیامد نابرابری‌های استعداد طبیعی است، در واقع به نابرابری‌های اقتصادی مشروعیت می‌دهد (Marshall, 1998:134). بدین ترتیب در نظام آموزشی تفاوت بین خصلت‌های افراد برخاسته از پایگاه‌های اجتماعی مختلف تقویت می‌شود و به صورت تفاوت در شیوه‌های فراگیری و انواع دانش‌های مورد توجه افراد در می‌آید. مدرسه گونه‌ای از خصلت‌ها را که متناسب با طبقات بالاست تأیید و تقویت می‌کند و خصلت‌های دیگر را بی‌اعتبار می‌نماید (Emmison, 1998:294).

کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف از قبیل کتاب، روزنامه، سینما و انواع ورزش‌های خاص طبقات بالای اجتماعی مانند اسب سواری، گلف و مانند آن را موجب می‌شود. در واقع استفاه کنندگان از سرمایه فرهنگی، در قشر بندی اجتماعی در طبقه بالای اجتماع قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، دارندگان امتیازات اقتصادی که در طبقه بالای جامعه قرار دارند به

راحتی به ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی دست می‌یابد. همچنین سرمایه فرهنگی در اشکال مختلف وجود داشته و شامل تمایلات و عادات دیرینه‌ای است که در فرآیند انباشت اشیای فرهنگی با ارزش مثل نقاشی و صلاحیت‌های تحصیلی و آموزش رسمی، حاصل آمده است. ترنر سرمایه فرهنگی را مجموعه نمادها، عادات، منش‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی که به طرز غیررسمی بین افراد شایع است، تعریف می‌کند. کالینز، سرمایه فرهنگی را شامل منابعی نظیر مکالمات از پیش اندوخته در حافظه، شیوه زبانی، انواع خاص دانش یا مهارت، حق ویژه تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌داند (نیازی و کارکنان ۱۳۸۶، ۵۹-۶۰).

از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه شکل می‌تواند وجود داشته باشد که عبارتند از: بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته به معنای تمایلات پایدار ذهنی و جسمی، بعد سرمایه فرهنگی عینی به شکل کالاهای فرهنگی نظیر تصاویر، کتاب‌ها، لغت نامه‌ها، ابزارها و ماشین آلات ... و بعد سرمایه فرهنگی نهادینه شده در قالب مدارک تحصیلی و نظایر آن (Bourdieu, 1986:243).

بنابراین می‌توان گفت، افرادی که در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی بالاتری قرار دارند، نوع مصرف کالاهای فرهنگی، منش‌ها و الگوهای متفاوت دارند و از نظر تحصیلی، فرزندان این طبقات بالا هستند که بیشتر به سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. به این ترتیب کنشگران اجتماعی به وسیله نوع مصرف کالاهای فرهنگی خود را طبقه بندی می‌کنند و تمایزات راهبردی را نسبت به طبقات دیگر اعمال می‌کنند. در این راستا، افراد طبقات پایین جامعه با پدیده‌ای بنام بیگانگی اجتماعی مواجه می‌شوند که در ذیل مباحثی در مورد بیگانگی اجتماعی ذکر خواهد شد.

ملوین سیمن درباره‌ی مفهوم بیگانگی نوشته است؛ مفهوم بیگانگی هم در ادبیات معاصر و هم در تاریخ تفکر اجتماعی مفهومی مسلط است. این مفهوم در کارهای کلاسیک مارکس، وبر و دورکیم و در کارهای معاصرین جایگاه اصلی دارد (Seeman, 1959:783). وی طبقه‌بندی معروفی را درباره ابعاد و اشکال بیگانگی به عمل آورده است و در آن بیگانگی را در پنج بعد بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و بیزاری از خود تقسیم‌بندی کرده است.

بی‌قدرتی به حالتی اطلاق می‌شود که افراد در برابر ساختارهای اجتماعی و هنجارین پیرامون خود توانایی اعمال نفوذ ندارند و این ساختارهای اجتماعی در میزان دخالت افراد در گفتگو، مشارکت در تصمیم‌گیری، آزادی انتخاب، بیان احساسات و عقاید، تساهل در پذیرش تفاوت‌ها توسط افراد با یکدیگر تفاوت دارند (Barakat, 1979:4). بی‌معنایی حالتی است که فرد نمی‌داند باید به چه چیزی معتقد باشد. این امر زمانی رخ می‌دهد که فرد برای تصمیم‌گیری، معیارهای روشنی را در اختیار نداشته باشد (Seeman, 1959: 786) بی‌هنجاری به وضعیتی از ساختارهای هنجارین در برابر فرد اطلاق می‌گردد که

مشخصه آن فروپاشی نظام هنجارها، ارزش‌ها و نمادهاست. (قصابی، ۱۳۸۶، ۲۶). انزوای اجتماعی به حالتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است، یعنی شخصی احساس تنهایی می‌کند و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری می‌کند. (ستوده، ۱۳۸۰، ۲۴۵).

۳- پیشینه تجربی تحقیق

تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده بر روی موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران مطالعه‌ای است که توسط زهره سمیعی در سطح کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء در سال ۱۳۷۹ انجام شده است. در این پژوهش سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی خانواده و تأثیر آنها بر موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج تحقیق سمیعی نشان می‌دهد یکی از پیامدهای فرآیند توسعه در جامعه، بالارفتن سطح علمی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در زندگی روزمره افراد است و افراد برای یافتن یک هویت قابل قبول اجتماعی باید به میزان بالایی از آن دست یابند. تحقیق انجام یافته حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی و شغلی افراد در چرخه‌ای عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تمرکز یافته است.

رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان شهر تهران تحقیقی است که توسط محمود شارع پور و غلامرضا خوش‌فر انجام شده است. تحقیق از نوع پیمایشی است. برای سنجش هویت اجتماعی از روش تحلیل محتوا انجام شده است. واحد تحلیل عبارت است از: فرد، گروه، طبقه و یا هر پدیده اجتماعی و موضوعی که ویژگی‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. لذا واحد تحقیق در این پژوهش جوانان شهر تهران می‌باشند. بدین ترتیب واحد سطح تحلیل خرد است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه جوانان ساکن شهر تهران با دامنه سنی ۱۵-۲۴ سال تشکیل می‌دهند. تعداد نمونه‌های تحقیق ۴۳۷ نفر انتخاب شده است. شارع‌پور با سنجش مفاهیم تجربی سرمایه فرهنگی رابطه ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی را با نحوه تعریف افراد از خویش‌شن بررسی کرده است. نتایج حاصل از بررسی حاکی از این است که بین سرمایه فرهنگی و برجستگی هویت فردی و هویت خانوادگی و هویت ملی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، البته در این میان بیشتر رابطه از آن هویت ملی با سرمایه فرهنگی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی نهادی شده بیشترین رابطه را با هویت دارد. یعنی هرچه سطح مدارک و مدارج علمی و فرهنگی فرد بالاتر می‌رود، برجستگی هویت فردی در نزد او بیشتر می‌شود. ولی در مقابل بُعد عینی و ذهنی سرمایه فرهنگی بیشترین رابطه را با هویت ملی دارد.

بررسی تأثیر نابرابری اجتماعی بر توزیع سرمایه فرهنگی و نقش سرمایه فرهنگی در بازتولید اجتماعی، تحقیقی دیگر است که توسط عادل ابراهیمی لو انجام شده است. در این تحقیق سه فرضیه وجود داشته که عبارتند از: ۱) وجود نابرابری اجتماعی در جامعه که سبب می شود، افراد دسترسی یکسانی به ابعاد و عناصر سرمایه فرهنگی نداشته باشند. ۲) اگر تمام افراد جامعه به سرمایه فرهنگی، طبقه‌ی اجتماعی خود را باز تولید کنند. ۳) نابرابری اجتماعی در جامعه سبب می شود تا بازتولید طبقه اجتماعی صورت گیرد. در این تحقیق سرمایه فرهنگی با شاخص‌های: عضویت در کتابخانه، میزان تحصیلات پدر و مادر و خود افراد، محل تحصیل، نوع موسیقی که افراد گوش می دهند، کلاس‌های زبان خارجی، نوع ورزش و اوقات فراغت خانواده سنجیده شده است. داده‌های این تحقیق نشان می دهند هرچه نسل اول از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، نسل دوم (فرزندان آنها) از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار خواهند بود. هرچه قدر نسل اول از طبقه اجتماعی بالاتر باشند، برای نسل دوم (فرزندان خانواده) سرمایه فرهنگی بیشتری پرداخت می شود. از این تحقیق شاخص‌های میزان تحصیلات پدر و مادر، مسلط بودن به زبان خارجی و نحوه گذران اوقات فراغت افراد استفاده شده است (ابراهیمی لو، ۱۳۸۲، صص ۱۰-۱۱۹).

آموزش و سرمایه فرهنگی: بررسی روند تغییرات در سیاست فرهنگی بوسیله دیانه انجام شده است. وی رابطه میان سرمایه فرهنگی با موفقیت تحصیلی افراد را سنجیده است. این مطالعه یک تلاش کمی برای آزمون تئوری سرمایه فرهنگی دانشجویان بوده است. این تحقیق دارای سه فرضیه بوده است که نتایج بدست آمده بدین شرح است؛ در واقع پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین روی پیشرفت تحصیلی کودکان تأثیر دارد و پایگاه اجتماع - اقتصادی را باز تولید می کند. همچنین محقق اشاره می کند توزیع نابرابری سرمایه فرهنگی جنبه‌ای از نظام طبقاتی است که آموزش و پرورش رسماً میانجی آن است. افراد از هر طبقه‌ای که وارد آن مکان شوند، باید آن را یاد بگیرند. پس کارکردهای فرهنگ، والاتر از سرمایه فرهنگ است، محقق به این تحلیل از سرمایه فرهنگی رسیده است که می گوید: میان سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی تضاد و تقابل وجود ندارد، یعنی اگر سرمایه اقتصادی بیشتر باشد، سرمایه فرهنگی نیز بیشتر است.

وی بیان می کند: در زندگی کودکانی که والدین آنها از سمت‌های بالای اجتماعی و وضعیت خوب اقتصادی برخوردارند، فرهنگ بطور طبیعی و خودبخودی منتقل می شود؛ بدین معنا که ابزارهای فرهنگی مانند کتابخانه، لوازم صوتی، تصویری، بازدید از موزه‌ها و ورود به محافل موسیقی و نمایشی در محیط زیست افراد متعلق به طبقات مرفه، فراوان‌تر و ارزان‌تر است. این درحالی است که دسترسی کودکان طبقات پایین‌تر به فرهنگ، فقط از طریق مدرسه امکان پذیر است که در آنجا هم بازتولید طبقات حاکم شکل می گیرد. بنابراین کودکان به ناچار باید فرهنگ طبقات حاکم را بپذیرند. وی همچنین بیان می کند از

آنجا که بین مدرسه و فرهنگ خانواده فاصله وجود دارد، توان سخنوری و ابراز بیان مکتسبات که میراث طبقه دارای سرمایه فرهنگی است، برای بچه‌های طبقات حاکم آسانتر است. بدین ترتیب اقتدار مشروعیت بخش مدرسه می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کند. بر این اساس نظام آموزشی در جامعه به ساختن اشرافیت حقیقی کمک می‌کند (Diane, 2005, pp:36-73).

دیباچه‌ای بر سرمایه فرهنگی و سیاست فرهنگی توسط بنت و ساویچ در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. آنها، سرمایه فرهنگی و سیاست فرهنگی را یک محور اساسی از نابرابری اجتماعی، در سطح بین-المللی مطرح کرده‌اند. آنها اظهار می‌کنند که سرمایه فرهنگی یک فاکتور مهمی برای تولید کردن و انتقال وضعیت اجتماعی ارثی در جوامع غربی بوده است و یک محملی برای نابرابری‌های اجتماعی بوده است و به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه فرهنگی در دهه‌های اخیر شدت بیشتری در مطالعه آموزش و قشر بندی اجتماعی پیدا کرده است. آنها اظهار کرده‌اند «سرمایه فرهنگی یک حقیقتی است که سرمایه عمومی نیز بر اساس آن تعیین می‌شود». به اعتقاد آنها نظم اجتماعی هم از طریق آثار فرهنگی درک می‌شود و این آثار فرهنگی امروزه وارد همه حوزه‌های زندگی شده است. ارزش‌های فرهنگی و هنجارها تأثیرات فراوانی روی رفتار افراد دارند و ارزش‌ها و هنجارها، تعیین کننده رفتار افراد است. افرادی که دارای سرمایه فرهنگی والاتری هستند بیشتر برخاسته از طبقه بالای جامعه‌اند و دسترسی بهتری به امکانات دارند. فعالیت‌های فرهنگی هم پیامدهای مثبت همانند احترام به خود و نوآوری و هم پیامدهای منفی همانند تخریب و عقده‌ی حقارت و خود بزرگ بینی و شعار دیواری و ... دارد. همین فعالیت‌های فرهنگی هم برخاسته از سرمایه فرهنگی است. سنجش سرمایه فرهنگی همچنین آگاهی فرهنگی و هویت افراد را بیان می‌کند، که همین آگاهی فرهنگ و هویت که به افراد در فهم نگرش‌هایشان و تغییر نگرش‌هایشان کمک می‌کند، وی نتیجه گرفته است یکی از راه‌های اظهار وجود و تعریف خوشستن می‌تواند همین سرمایه فرهنگی باشد (Bennett & Savage, 2004, pp:7-14).

مطالعه مصرف کالاهای فرهنگی و سرمایه فرهنگی توسط پیراسکاندیزو در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. وی بیان می‌کند اینکه مصرف کالاهای فرهنگی (رفتن به تئاترها، اپراها، موسیقی، درام و دیدار از موزه‌ها و ...) یک تأثیر عمیقی بر روی جامعه دارد، یک فرضیه اثبات شده است. مصرف کالاهای فرهنگی به یک نوع هویت برای افراد منجر می‌شود که در نوع خودش جدید است، که آمار جرم و جنایت را پایین آورده است و افراد را به خود مشغول کرده است. ایشان به این نتیجه رسیده است که مصرف کالاهای فرهنگی علاوه بر اینکه برای افراد خوشایند است، یک نوع کسب هویت هم برای افراد است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با مصرف کردن این کالاهای فرهنگی که فعالیتی بازتابی و بازاندیشه هستند، یک هویت جدید را برای افراد به وجود می‌آورد. مصرف کالاهای فرهنگی به عنوان شکلی از بازی

اجتماعی بر قواعدی مبتنی است که بودن با دیگران را مشخص می کند و مصرف این گونه کالاها بین زندگی خصوصی و خلوت فرد با جنبه‌های اجتماعی پرسه می‌زند. بنابر این می‌توان مصرف این گونه کالاها را در ارتباط با هویت مورد ارزیابی قرار داد. هویت‌هایی مانند قومیت، جنسیت، خانواده از طریق مصرف کالاهای فرهنگی دوباره از نو شکل می‌گیرند و بازسازی می‌شوند. به ویژه از طریق تجربه‌های خاصی که در این فضا ایجاد می‌شوند، هویت‌های جدیدی سربرمی‌آورند (Scandizzo, 2004, pp: 1-10).

مطالعه دیگری تحت عنوان بیگانگی اجتماعی (به همراه بررسی تعلقات ارزشی دانش‌آموزان سال سوم و چهارم شهر تهران) توسط ابوتراب طالبی صورت گرفته است. محقق در تحقیق بیگانگی اجتماعی، به تبیین و تشریح جدائی ذهنی و عینی افراد از نظام اجتماع ایران پرداخته است. محقق با قرار دادن تئوریهای بیگانگی در مقابل واقعیت‌های موجود جامعه ایران به این نتیجه می‌رسد که نیازمند تغییر در جهت ایجاد تناسب بین تئوریهای بیگانگی و واقعیت‌های موجود هستیم. محقق ظهور مسائل و بحران در نظام فرهنگی مسائل نظام‌های تعامل، مسائل و بحران‌های ساختی، مسائل کارکردی و اکولوژیکی را از جمله عوامل سیستمی کردن بیگانگی اجتماعی در نظر گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشانگر عدم تعادل و عدم هماهنگی بین نظام ارزشی و ساخت اجتماعی است.

مطالعه دیگری تحت عنوان بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن توسط زهره رسولی (۱۳۸۵) انجام گرفته است. در این رابطه ی بین متغیرهای میزان اعتماد اجتماعی، اثر بخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی و دینداری با بیگانگی اجتماعی بررسی شده است. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه‌های این مطالعه نشان دهنده‌ی وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل دو بیگانگی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته تحقیق می‌باشد.

در سال ۱۹۷۳ جان گلاسی و مرنا گلاسی مطالعه‌ای مقایسه‌ای تحت عنوان از خود بیگانگی در میان دانشجویان مایل و عدم تمایل به مشاوره صورت دادند. در این مطالعه‌ی مجموعه‌ای از آزمون‌ها، شامل مقیاس آنومی دامنکولوو (Lowe and Damankos Anomie Scale)، مقیاس خویشتن پذیری برگر (Berger Self-acceptance scale)، مقیاس انزوای اجتماعی دین (Dean social isolation scale) و مقیاس‌های تعهد فرهنگی و بیگانگی فرهنگی کینستون برای ارزیابی درجه ی بیگانگی فرهنگی و بین شخصی به کار برده شده است. اگرچه نتایج تحلیل واریانس عاملی نشان می‌دهد که Ss آنهایی که این دوره‌های مشاوره را طی کرده‌اند و به دنبال آن بوده‌اند احساسات از خود بیگانگی بیشتری بر روی همه ی مقیاس‌ها نشان داده‌اند، از آنهایی که دنبال این مشاوره‌ها نبوده‌اند، اما تفاوت‌ها اساساً به نمرات ارزیابی شده از گروه تعدیلی شخصی مرتبط بود. (Glassi and Glassi, 1973:44-49)

مطالعه دیگری تحت عنوان بررسی نقش از خود بیگانگی در مدل چند مؤلفه‌ی بزهکاری نوجوانان توسط سانکی (Sankey) و هوون (Huon) انجام گرفت. در این تحقیق مدل چند مؤلفه بزهکاری برای کشف منظم روابط متغیرهای روان‌شناختی و رابطه‌ی آنها با رفتار بزهکارانه بسط یافت. به طور اهم، از خود بیگانگی یکی از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی این رفتار بود. از خود بیگانگی هنگامیکه به عنوان یک سازه‌ی کلی عملیاتی می‌شد، یک متغیر پیش‌بینی‌کننده‌ی ضروری محسوب نمی‌شد، اما بیگانگی اجتماعی، دارای قدرت تبیینی بالایی در رفتار بزهکارانه‌ی افراد محسوب می‌شد (Sankey and Huon, 1999:95-107).

۴- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین جنسیت با سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی فرهنگی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی از خود دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- بین سرمایه فرهنگی و احساس بی‌قدرتی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۶- بین سرمایه فرهنگی و احساس بی‌معنایی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۷- بین سرمایه فرهنگی و بی‌هنجاری دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۸- بین سرمایه فرهنگی و انزوای اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۹- بین سن با سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵- تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق متغیرها

سرمایه فرهنگی با الهام از پی‌یر بوردیو که دارای سه بعد است در همان سه بعد مورد سنجش قرار گرفته است: الف) بعد ذهنی: فضای فرهنگی خانواده و تمایلات و گرایش‌های آنها نسبت به مصرف کالاهای فرهنگی. (تحصیلات پدر و مادر، خواندن نشریه و غیره). ب) بعد عینی: میزان مصرف کالاهای فرهنگی خود دانش آموز (تماشای فیلم، مطالعه کتاب و غیره). ج) بعد نهادی: سرمایه فرهنگی خود دانش آموز (میزان مطالعه، معدل تحصیلی و غیره). برای سنجش از خود بیگانگی، این متغیر مطابق جدول زیر شاخص‌بندی و سنجیده شد.

جدول ۱-۱- تعریف عملیاتی بیگانگی اجتماعی

متغیر وابسته	شاخص‌ها	معرف‌ها
بیگانگی اجتماعی	احساس بی‌قدرتی	ناتوانی در انجام دادن کاری، عدم مشارکت در فعالیت‌های سیاسی
	احساس بی‌هنجاری	تضاد با ارزش‌های مدرسه و جامعه، رعایت قانون به خاطر ترس از مجازات
	احساس انزوای اجتماعی	عدم مشارکت در امور، تنهایی را ترجیح دادن، دوری از دوستان
	احساس بی‌معنایی	بد بین بودن به آینده، نامشخص بودن آینده شغلی
	احساس بیگانگی از خود	بیزار بودن از خود، احساس عقب بودن از دیگران، خود را قبول نداشتن و ...
	احساس بیگانگی فرهنگی	بیزار بودن از ارزش‌های جامعه، بیزاری از محیط و هنجارهای مدرسه

۶- روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده کرده‌ایم. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای که سؤالات آن با طیف لیکرت اندازه‌گیری شد، استفاده شده است. این تحقیق از لحاظ معیار اجرایی از نوع کاربردی می‌باشد، زیرا در این تحقیق سعی بر آن است تا تأثیر سرمایه فرهنگی بر روی بیگانگی اجتماعی بررسی شود تا شاید چشم اندازی برای شناخت بیگانگی اجتماعی باز شود و در صدد هموار کردن سیاست‌گذاری مسئولان در جهت رفع یا تعدیل پدیده بیگانگی اجتماعی می‌باشد.

در تحقیق حاضر وسیله‌ی اندازه‌گیری معرف‌های متغیرها سؤالات و گویه‌های پرسشنامه می‌باشد. سؤالات به صورت بسته طراحی شده‌است. روش تهیه سؤالات آن، براساس چارچوب نظری، پیشینه تحقیق، تعریف متغیرها و مفاهیم به‌کار رفته در فرضیه‌ها، صورت گرفته است. در پرسشنامه دو دسته سؤال طراحی شده است. دسته‌ی اول مربوط به مشخصات عمومی پاسخگویان و سؤال‌های مربوط به سنجش متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی) است و دسته‌ی دوم سؤال‌ها مربوط به سنجش متغیر وابسته (بیگانگی اجتماعی) است. هرکدام از این متغیرها با معرف‌هایی سنجیده می‌شوند. در طراحی پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده‌است. پرسشنامه شامل ۵۳ سؤال می‌باشد که ۷ سؤال مربوط به مشخصات عمومی

دانش‌آموزان می‌باشد و ۱۸ سؤال مربوط به متغیر مستقل و ۲۸ سؤال مربوط به متغیر وابسته می‌باشد. سؤالات در رابطه با نوع آنها در یکی از سطوح اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای طرح و مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

۷- رویی (اعتبار) و پایایی وسیله اندازه‌گیری

تحلیل عاملی انجام شده روی متغیرهای تحقیق حاکی از این است که در هر یک از این متغیرها، میزان بارهای عاملی و درصد واریانس تبیین شده توسط هر یک این عامل‌ها متناسب بوده و قابلیت اعتبار مرتبط با متغیرهای مذکور را مشخص می‌کند. تحلیل عاملی گویه‌های مربوطه نشان می‌دهد که متغیرهای مشاهده شده برای هر یک از شاخص‌های تحقیق دارای مقادیر ویژه بزرگتر از یک بوده و بار عاملی آنها بالاتر از ۵۰ درصد می‌باشد. همچنین آزمون بارتلت معنی‌دار است، پس داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشند. نتایج آزمون kmo نشان دهنده این واقیت است که انجام تحلیل عاملی بر روی این گویه‌ها مناسب می‌باشد. در این تحقیق ما ابتدا گویه‌های متغیر مستقل و وابسته را استاندارد کردیم بعد تحلیل عاملی را روی گویه‌ها انجام دادیم. نتایج تحلیل عاملی متغیرهای مستقل و وابسته را در جداول (۱-۲) و (۱-۳) نشان داده‌ایم.

جدول (۱-۲) نتایج و اجزاء تحلیل عاملی گویه‌های سرمایه فرهنگی

متغیر	گویه‌ها	بار عاملی	واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه
سرمایه فرهنگی (بعد ذهنی)	تحصیلات پدر	.۷۶	۵۷/۸۸	۲/۳۱۶
	تحصیلات مادر	.۷۲		
	خانواده شما تا چه حد وقت خودشان را صرف خواندن مجله، نشریات و روزنامه‌ها می‌کنند؟	.۸۰		
	خانواده شما تا چه حد وقت خودشان را صرف خواندن مطالعه کتاب، رمان و اشکال ادبی می‌کنند؟	.۷۵		
آماره کایزر مایر: /۶۹	آماره تست بارتلت: ۴۳۶/۸۹	سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		
سرمایه فرهنگی (بعد نهادی)	مقطع تحصیلی	.۵۶	۰/۴۶	۱/۸۴
	روزانه بطور متوسط چند ساعت مطالعه دارید؟	.۶۵		
	در جشنواره‌ها و مسابقات علمی شرکت کرده اید؟	.۷۲		
	در صورت بله، چند بار؟	.۷۴		
آماره کایزر مایر: ۰/۶۲	آماره تست بارتلت: ۳۶۶/۰۹	سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		

ادامه جدول (۱-۲) نتایج و اجزاء تحلیل عاملی گویه های سرمایه فرهنگی

مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	بار عاملی	گویه ها	متغیر
۲/۴۵	۴۰/۹۲	۰/۶۶	تا چه حد وقت خود را صرف مطالعه کتاب، رمان و اشکال ادبی می کنید؟	سرمایه فرهنگی (بعد عینی)
		۰/۷۵	تا چه حد وقت خود را صرف خواندن مجله، نشریات و روزنامه ها می کنید؟	
		۰/۷۶	تا چه حد شما برای کارهای هنری و ذوقی وقت صرف می کنید؟	
		۰/۶۷	تا چه حد خانواده شما برای کارهای هنری و ذوقی وقت صرف می کنید؟	
		۰/۵۶	تا چه حد شما فیلم های سینمایی ایرانی نگاه می کنید؟	
		۰/۴۸	تا چه حد شما فیلم های سینمایی خارجی نگاه می کنید؟	
آماره کایزر مایر: ۰/۷۳ آماره تست بارتلت: ۳۹۵/۵۸ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰				

جدول (۱-۳) نتایج و اجزاء تحلیل عاملی گویه های بیگانگی اجتماعی

مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	بار عاملی	گویه ها	ابعاد	متغیر
۲/۶۴	۴۶/۱۳	۰/۶۹	احساس می کنم از دیگران عقب تر هستم.	بیگانگی از خود	بیگانگی اجتماعی
		۰/۷۶	خود را انسان مفیدی می دانم.		
		۰/۷۰	به درد هیچ کاری نمی خورم.		
		۰/۶۶	کار و تلاش من در این جامعه بی فایده است.		
		۰/۵۵	آینده شغلی من نامعلوم است.		
		۰/۶۱	از شرایط زندگی خود متفرم.		
آماره کایزر مایر: ۰/۷۹ آماره تست بارتلت: ۴۲۸/۶۷۵ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰					
۲/۳۳	۳۸/۸۴	۰/۶۷	بخاطر موفقیت هایی که در مدرسه کسب می کنم احساس خوشحالی می کنم.	بیگانگی فرهنگی	بیگانگی اجتماعی
		۰/۷۵	با اشتیاق و انگیزه زیاد به مدرسه می روم.		
		-۰/۶۶	تحصیل و مدرسه رفتن وقت تلف کردن است.		
		۰/۶۲	دوست دارم در فعالیت های علمی و فرهنگی مدرسه شرکت کنم.		
		۰/۵۵	در کنار دوستانم احساس خوشحالی می کنم.		
		۰/۴۶	ارزش های فرهنگی خودمان (فرهنگ کردی یا محلی) را دوست دارم.		
آماره کایزر مایر: ۰/۷۵ آماره تست بارتلت: ۳۰۱/۳۵۰ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰					
۱/۴۲	۴۷/۶۱	۰/۶۶	برای رسیدن به هدف می توان دست به کاری زد.	بی-هنجاری	بیگانگی اجتماعی
		۰/۲۳	ارزش های مدرسه و جامعه نوعی فشار و محدودیت ایجاد می کنند.		
		۰/۷۲	افرادی که قوانین را رعایت می کنند به دلیل ترس از مجازات است.		
آماره کایزر مایر: ۰/۵۹ آماره تست بارتلت: ۴۶/۷۴۳ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰					

۱/۴۳	۴۷/۹۳	۰/۸۴	اغلب اوقات فکر می‌کنم در جامعه هیچ نظم و قاعده ای نیست.	بی‌معنایی
		۰/۸۴	من نسبت به آینده جامعه خودم امیدوار نیستم.	
		۰/۴۵	خوشبختی و بدبختی هر کس دست خود اوست.	
آماره کایزر مایر: ۰/۶۱ آماره تست بارتلت: ۷۸/۴۹ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰				
۱/۲۰	۶۰/۳۳	۰/۷۷	در فعالیت های سیاسی شرکت نمی‌کنم چون معتقدم تأثیری بر اوضاع سیاسی و اجتماعی ندارد.	بی‌قدرتی
		۰/۷۸	از دست افرادی مثل من، کار زیادی برای بهبود مدرسه برنمیآید.	
آماره کایزر مایر: ۰/۶۴ آماره تست بارتلت: ۴۸/۰۹۶ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰				
۱/۲۹	۶۴/۶	۰/۸۰	دوست دارم تنها باشم.	انزوای اجتماعی
		۰/۸۰	نمی‌توانم مشکلاتم را با دیگران مطرح کنم.	
آماره کایزر مایر: ۰/۵۸ آماره تست بارتلت: ۳۵/۸۴۸ سطح معنی داری: ۰/۰۰۰				

در نهایت برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است در این تحقیق برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. این روش برای محاسبه همابستگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه است. مقدار آلفای کرونباخ بین صفر تا یک در نوسان می‌باشد. هر چقدر پایایی گویه‌ها به سمت یک میل کند به همان اندازه وسیله اندازه‌گیری بیانگر پایایی بالا خواهد بود. نتایج بدست آمده نشانگر آن است که گویه‌های متغیر دارای روایی نسبتاً بالایی است.

جدول (۱-۴) - نتایج و اجزای پایایی گویه های تحقیق:

ردیف	نام متغیر	ابعاد متغیر	تعداد گویه ها	ضریب آلفا	ضریب آلفای کل
۱	سرمایه فرهنگی	بعد ذهنی	۴	۰/۷۵	۰/۶۹
		بعد عینی	۶	۰/۶۹	
		بعد نهادی	۴	۰/۶۰	
۲	بیگانگی اجتماعی	بیگانگی از خود	۵	۰/۵۵	۰/۵۸
		بیگانگی فرهنگی	۵	۰/۳۷	
		بی‌قدرتی	۵	۰/۴۰	
		بی‌معنایی	۵	۰/۳۵	
		بی‌هنجاری	۳	۰/۶۲	
		انزوای اجتماعی	۵	۰/۴۶	

۸- جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق

جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی شهرستان سقز در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ می باشد این آمار به تعداد ۱۱۳۵۱ نفر می باشد. برای برآورد حجم نمونه که در سطح اطمینان ۹۵٪ ($t = 1/96$ و $d = 0/05$) انجام می شود، از رابطه نمونه گیری زیر استفاده شد که برای این رابطه پیش آزمون انجام شد و مقادیر P ؛ (وجود صفت از خود بیگانگی از پیش آزمون انجام شده) $= 0/52$ ، q ؛ (عدم وجود صفت از خود بیگانگی از پیش آزمون انجام شده) $= 0/48$ برآورد شد.

به این ترتیب حجم نمونه ی مورد نظر ۳۶۱ نفر از افراد جامعه آماری می باشد. اما برای جلوگیری از خطای بیشتر و برای کم کردن تأثیر پرسشنامه های گم شده و همچنین بالا بردن ضریب اطمینان ۲۰ پرسشنامه به آن اضافه گردید. در نهایت بعد از بازبینی پرسشنامه ها و حذف موارد مخدوش تعداد ۳۷۱ پرسشنامه وارد تحلیل نهایی گردید. بعد از تعیین نمونه مناسب و با توجه به تعداد کل دانش آموزان در دو مقطع تحصیلی نیاز به انتخاب شیوه نمونه گیری پیش آمد، که بعد از بررسی لازم در میان انواع شیوه نمونه گیری ها از نمونه گیری احتمالی متناسب با حجم (PPS) استفاده شد (دواس، ۱۳۸۳: ۷۷). در این راستا اولاً ما از طریق انتخاب تصادفی ۱۲ مدرسه (۱۰ مدرسه دبیرستان و ۲ پیش دانشگاهی) از شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز شهر انتخاب کردیم. ثانیاً حجم نمونه را متناسب با سن و جنس از بین این مدارس بدست آورده شد و افراد منتخب بصورت تصادفی انتخاب شدند.

۹- نتایج تحقیق

بعد از انجام یک سری آزمون های مقدماتی از جمله آزمون نرمالیت، مدیریت داده های گمشده و پرت و ... به تحلیل داده ها پرداختیم. از کل افراد نمونه آماری (۳۷۱) این تحقیق ۲۰۴ نفر زن و ۱۶۶ نفر مرد می باشند. به بیان دیگر ۵۵٪ افراد نمونه آماری زن و ۴۴٪ افراد نمونه آماری مرد بوده است. که از این تعداد ۱۱/۱٪ پاسخگویان، ۱۴ سال، ۲۶/۷٪، ۱۵ سال، ۲۷٪ از آنها ۱۶، ۲۳/۵ درصد، ۱۷ سال، ۱۰ درصد از پاسخگویان ۱۸، ۱/۶ درصد آنها ۱۹ و ۳/۰ درصد آنها ۲۱ سال سن داشتند. همچنین در بین کل حجم نمونه ۱۷/۳ درصد پاسخگویان رشته انسانی، ۳۶/۱ درصد آنها رشته علوم تجربی، ۱۲/۹ درصد رشته ریاضی فیزیکی و ۳۳/۴ درصد سال اول (عدم تعیین رشته تحصیلی) بوده اند. شایان ذکر است در خصوص میزان و سطح سواد والدین نیز این نتایج حاصل شد؛ از ۳۷۱ نفر پاسخگو ۲۱/۳٪ افراد پدرشان بیسواد، ۵۰/۴٪ افراد سطح تحصیلات پدرشان زیر دیپلم، ۱۸/۱٪ دیپلم تا فوق دیپلم، ۵/۹٪ افراد پدرشان لیسانس به بالا می باشد. بنابراین اکثریت پاسخگویان (۵۰/۴) سطح تحصیلات پدرشان زیر دیپلم است. همچنین ۴۸/۲٪ افراد مادرشان بی سواد، ۴۰/۲ درصد افراد سطح تحصیلات مادرشان زیر دیپلم است. ۸/۹٪ مادرشان دیپلم

تا فوق دیپلم و ۱/۹٪ افراد سطح تحصیلات مادرشان فوق دیپلم تا لیسانس می‌باشد. در واقع اکثریت پاسخگویان مادرشان بی‌سواد است.

۱۰- نتایج استنباطی تحقیق

۱-۱- بررسی رابطه بین جنسیت و سرمایه فرهنگی

با توجه به اینکه متغیر سرمایه فرهنگی یک متغیر کمی و متغیر جنس دو وجهی است از آزمون تفاوت میانگین‌های گروه‌های مستقل برای بررسی رابطه دو متغیر استفاده شده است. در مورد آزمون T باید گفت که اگر آزمون F معنی‌دار نباشد با فرض برابری واریانس‌ها قضاوت می‌شود و هر جا که آزمون F معنی‌دار باشد با فرض نابرابری واریانس‌ها قضاوت می‌شود. در اینجا آزمون F معنی‌دار نیست. همانطور که جدول (۵-۱) نشان می‌دهد، با فرض برابر nهای دو گروه و همچنین با فرض غیریکنواختی واریانس، بین زن و مرد از حیث میانگین سرمایه فرهنگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به-طور مشخص‌تر، در این بین میانگین آقایان از خانم‌ها بیشتر است بنابراین از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند.

جدول (۵-۱) نتایج آزمون تفاوت میانگین (t مستقل) سرمایه فرهنگی براساس جنسیت

t- test for Equality of Means				Leven's Test for Equality of variances		انحراف معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	تفاوت			
فاصله اطمینان در سطح ۹۵٪	تفاوت اشتباه معیار	تفاوت میانگین	Sig. 2-tailed	df	t							Sig.	F	
بالا	پایین													
۱/۷۹۸	۰/۲۶۰	۰/۳۹۰	۱/۰۲	۰/۰۰۹	۳۶۵	۲/۶۳	۰/۷۷۲	۰/۰۸۴	۰/۲۸۹	۳/۷۲	-۱۲/۸۷	۱۶۵	مرد	تفاوت جنسیتی
									۰/۲۶۲	۳/۷۲	-۱۱/۸۵	۲۰۲	زن	
۱/۵۰۰	۰/۲۴۴	۰/۳۱۹	۰/۸۷	۰/۰۰۷	۳۵۹	۲/۷۳	۰/۴۹۰	۰/۴۷۷	۰/۲۳۶	۳/۰۳	-۵/۳۲	۱۶۴	مرد	تفاوت ذهنی
									۰/۲۱۴	۳/۰۱	-۴/۴۵	۱۹۷	زن	
۱/۲۹۷	۰/۱۹۲	۰/۲۸۱	۰/۷۴	۰/۰۰۸	۳۶۶	۲/۶۵	۰/۶۹۵	۰/۱۵۴	۰/۲۱۱	۲/۷۱	-۴/۰۹	۱۶۵	مرد	تفاوت نهادی
									۰/۱۸۶	۲/۶۵	-۳/۳۵	۲۰۳	زن	

۲-۱۰- بررسی رابطه بین جنسیت و بیگانگی اجتماعی

با توجه به اینکه متغیر بیگانگی اجتماعی یک متغیر کمی و متغیر جنس دو وجهی است از آزمون تفاوت میانگین‌های گروه‌های مستقل برای بررسی رابطه دو متغیر استفاده شده است. در مورد آزمون T باید گفت که اگر آزمون F معنی‌دار نباشد با فرض برابری واریانس‌ها قضاوت می‌شود و هر جا که آزمون F معنی‌دار باشد با فرض نابرابری واریانس‌ها قضاوت می‌شود. در اینجا آزمون F معنی‌دار نیست.

جدول (۱-۶) نتایج آزمون تفاوت میانگین بیگانگی اجتماعی بر اساس جنسیت

t- test for Equality of means				leven's test for Equality of variances		تغییر میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	متغیر			
فاصله اطمینان در سطح ۹۵٪		تفاوت اشتباه معیار	تفاوت میانگین	Sig (2-tailed)	df							t	Sig.	F
بالا	پایین													
۰/۸۷	-۰/۷۵	۰/۴۱۶	۰/۰۶۰	۰/۸۸۴	۳۶۷	۰/۱۴۶	۰/۶۶۶	۰/۱۸۷	۰/۳۰	۳/۹۲	-۶/۱۷	۱۶۶	مرد	بیگانگی از خود
									۰/۲۸	۴/۰۲	-۶/۱۰	۲۰۳	زن	
۱/۳۹	۰/۲۴	۰/۲۹۲	۰/۸۱۸	۰/۰۰۵	۳۶۷	۲/۷۹۷	۰/۰۶۰	۳/۵۵۰	۰/۲۴	۳/۱۲	-۱۴/۵۰	۱۶۵	مرد	بیگانگی فرهنگی
									۰/۱۷	۲/۴۹	-۱۳/۶۱۸	۲۰۴	زن	
۰/۶۲	-۰/۴۰	۰/۱۶۹	۰/۲۹۲	۰/۰۸۵	۳۶۷	۱/۷۲۹	۰/۴۶۰	۰/۵۴۸	۰/۱۲	۱/۵۶	-۴/۱۶	۱۶۵	مرد	بی معنایی
									۰/۱۰	۱/۶۵	-۳/۸۷	۲۰۴	زن	
۰/۸۹	-۱/۵۱	۰/۱۵۶	-۱/۲۰۶	۰/۰۰۰	۳۶۸	-۷/۷۲۲	۰/۵۷۰	۰/۳۲۴	۰/۱۰	۱/۴۵	-۲/۳۹	۱۶۶	مرد	انزوی اجتماعی
									۰/۱۱	۱/۵۲	-۳/۵۹	۲۰۴	زن	
۰/۵۹	-۰/۴۱	۰/۱۶۲	۰/۲۷۷	۰/۰۸۸	۳۶۸	۱/۷۱۱	۰/۹۷۶	۰/۰۰۱	۰/۱۱	۱/۵۲	-۳/۰۲	۱۶۶	مرد	بی قدرتی
									۰/۱۱	۱/۵۷	-۲/۷۴	۲۰۴	زن	
۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۱۶۸	۰/۲۹	۰/۰۸۵	۳۶۷	۱/۷۲	۰/۴۶	۰/۵۴	۰/۱۱	۱/۶۵	-۲/۳۹	۱۶۵	مرد	بی همجاری
									۰/۱۲	۱/۵۶	-۳/۸۷	۲۰۴	زن	

همانطور که جدول (۱-۶) نشان می‌دهد، با فرض برابر n ‌های دو گروه و همچنین با فرض غیریکنواختی واریانس، بین زن و مرد از حیث میانگین انزوای اجتماعی و بیگانگی فرهنگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به طور مشخص‌تر، در این بین میانگین آقایان از خانم‌ها در بیگانگی فرهنگی بیشتر است بنابراین از بیگانگی فرهنگی بیشتری برخوردارند اما میانگین خانم‌ها از آقایان در انزوای اجتماعی بیشتری برخوردارند بنابراین خانم‌ها از انزوای اجتماعی بیشتری برخوردارند. بین خانم‌ها و آقایان از حیث میانگین بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بیگانگی از خود و بی‌هنجاری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

۱۰-۳- بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با بیگانگی اجتماعی

برای رابطه میان سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن از ضریب همبستگی خطی پیرسون استفاده شد. لازم به ذکر است که برای استفاده از همبستگی پیرسون باید توزیع متغیرها نرمال باشد و از طرف دیگر فرضیه‌ها دلالت بر رابطه دوسویه داشته باشد. جدول زیر نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن را نشان می‌دهد.

جدول (۱-۷) نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن

از خود بیگانگی	بیگانگی فرهنگی	بی‌هنجاری	انزوای اجتماعی	بی‌قدرتی	بی‌معنایی	بیگانگی اجتماعی	متغیر وابسته	
							متغیر مستقل	سرمایه فرهنگی
-۰/۲۳۱	۰/۱۸۳	-۰/۰۵	۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۷۸	ضریب پیرسون	سرمایه
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۴۳	۰/۱۴	سطح معنی‌داری	فرهنگی
۳۵۶	۳۵۶	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۵	۳۵۷	تعداد مشاهدات	

جدول (۱-۷) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی $-۰/۰۷۸$ است و سطح معنی‌داری آن $۰/۱۴$ می‌باشد و این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار نیست و در نتیجه نمی‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه فرهنگی و بی‌معنایی $-۰/۰۴$ است و سطح معنی‌داری آن $۰/۴$ می‌باشد و این بیانگر این است که به لحاظ آماری بین این دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی میان سرمایه فرهنگی و بی‌قدرتی $-۰/۰۵$ ، و سطح معنی‌داری آن $۰/۲۷$ می‌باشد. این نشان می‌دهد که هیچ رابطه معنی‌داری بین دو متغیر وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی میان سرمایه فرهنگی و احساس انزوای اجتماعی، $۰/۰۵۰$ و سطح معنی‌داری آن $۰/۳۴$ است. این نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر خیلی ضعیف بوده و معنی‌دار نیست. یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی احساس انزوای اجتماعی کاهش پیدا نمی‌کند. میزان ضریب

همبستگی بین سرمایه فرهنگی و بی هنجاری براساس جدول، ۰/۰۵۸ و سطح معنی داری آن ۰/۲۷ می باشد. این نشان می دهد که رابطه بین دو متغیر خیلی ضعیف بوده و معنی دار نیست. میزان ضریب همبستگی دو متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی فرهنگی، ۰/۱۸۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ می باشد. این نشان می دهد که همبستگی بین دو متغیر در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است و بین این دو متغیر رابطه مثبت ولی کمی وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی میزان بیگانگی فرهنگی بالا می رود. میزان ضریب همبستگی دو متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی از خود براساس جدول، ۰/۲۳- و سطح معنی داری آن ۰/۰۰۰ می باشد. این نشان می دهد که رابطه بین دو متغیر معنی داری و منفی است و همبستگی کمی بین این دو متغیر وجود دارد، یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی بیگانگی از خود کاهش می یابد.

۱۱- ضریب همبستگی جزئی

همانطور که نتایج همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل و وابسته در بالا نشان می دهد همبستگی بین متغیرها یا وجود ندارد و اگر هم وجود دارد این همبستگی خیلی ضعیف است. ممکن است متغیرهای دیگری رابطه بین متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی را تعدیل کرده باشد، به همین منظور ما آزمون همبستگی جزئی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته را انجام دادیم.

این روش سعی می کند تا بطور جداگانه رابطه بین دو متغیر را از طریق حذف اثرات سایر متغیرهای مرتبط اندازه گیری کند. به عبارت دیگر، این ضریب با کنترل رابطه کاذب به محقق کمک می کند تا پس از تفکیک کردن اثرات متغیرهای کنترلی، همبستگی خالص بین دو متغیر مورد نظر سنجیده شود (کلاتری، ۱۳۸۵، ۱۱۲). جدول زیر نتایج آزمون همبستگی جزئی سرمایه فرهنگی با بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن را نشان می دهد.

جدول (۱-۸) نتایج آزمون همبستگی جزئی بین متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن

از خود بیگانگی	بیگانگی فرهنگی	بی هنجاری	انزوای اجتماعی	بی قدرتی	بی معنایی	بیگانگی اجتماعی	متغیر وابسته متغیر مستقل	
							سرمایه فرهنگی	ضریب همبستگی جزئی سطح معنی داری فراوانی مورد مشاهده
۰/۲۳۱-	۰/۳۰	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۱۰-	۰/۱۰-	۰/۱۰-	۳۴۷	۳۵۵
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۳۵۷	۳۵۷
۳۵۶	۳۵۶	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۷	۳۵۵	۳۴۷		

جدول (۱-۸) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی جزئی بین متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی با کنترل متغیرهای جنس و رشته تحصیلی ۰/۱۰- است و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد و این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار است و در نتیجه می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه منفی کمی وجود دارد. میزان ضریب همبستگی جزئی بین متغیر سرمایه فرهنگی با بی‌معنایی با کنترل جنس، رشته تحصیلی و درآمد ۰/۱۰- است و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد و این بیانگر این است که به لحاظ آماری بین این دو متغیر رابطه منفی کمی وجود دارد. میزان ضریب همبستگی دو متغیر سرمایه فرهنگی و بی‌قدرتی با کنترل متغیرهای جنس و تحصیلات پدر، ۰/۱۰- و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. این نشان می‌دهد که به لحاظ آماری رابطه منفی معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. میزان ضریب همبستگی جزئی دو متغیر سرمایه فرهنگی و انزوای اجتماعی با کنترل متغیر جنس براساس جدول، ۰/۱۳ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ است. این نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر ضعیف بوده و معنی‌دار است. یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی احساس انزوای اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. میزان ضریب همبستگی دو متغیر سرمایه فرهنگی و بی‌هنجاری با کنترل متغیر تحصیلات پدر، ۰/۰۹ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰ می‌باشد. این نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر خیلی ضعیف بوده و این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار است. میزان ضریب همبستگی دو متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی فرهنگی با کنترل متغیر تحصیلات پدر براساس مندرجات جدول، ۰/۳۰ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ می‌باشد. این نشان می‌دهد که همبستگی بین دو متغیر در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است و بین این دو متغیر رابطه مثبت متوسطی وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی میزان بیگانگی فرهنگی بالا می‌رود. میزان ضریب همبستگی دو متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی از خود، ۰/۲۳- و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. این نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر معنی‌داری و منفی است و همبستگی کمی بین این دو متغیر وجود دارد، یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی بیگانگی از خود کاهش می‌یابد.

۱۲- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه پیشینه نظری در ارتباط با متغیر سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی، با استفاده از نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، بیگانگی اجتماعی در بین دانش‌آموزان را بررسی شد. تحقیق حاضر به بررسی رابطه دو سازه‌ی مهم نظری در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی، یعنی سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی پرداخته است.

در ارتباط با فرضیه اول همانطور که نتایج نشان می‌دهند بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی همبستگی کم، منفی و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی تا حدودی بیگانگی اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. در ارتباط با فرضیه سوم همانطور که نتایج نشان می‌دهند بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی فرهنگی همبستگی متوسط، مثبت و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی تا حدودی بیگانگی فرهنگی افزایش می‌یابد. در ارتباط با فرضیه چهارم همانطور که نتایج نشان می‌دهند بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی از خود همبستگی متوسط، منفی و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی تا حدودی بیگانگی از خود کاهش پیدا می‌کند. در ارتباط با فرضیه پنجم همانطور که نتایج نشان می‌دهند بین سرمایه فرهنگی و احساس بی‌قدرتی همبستگی کم، منفی و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی تا حدودی احساس بی‌قدرتی کاهش پیدا می‌کند. در ارتباط با فرضیه ششم همانطور که نتایج نشان می‌دهند بین سرمایه فرهنگی و احساس بی‌معنایی همبستگی کم، منفی و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی تا حدودی احساس بی‌معنایی کاهش پیدا می‌کند. در ارتباط با فرضیه هفتم همانطور که نتایج نشان می‌دهند بین سرمایه فرهنگی و بی‌هنجاری همبستگی خیلی ضعیف، مثبت و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی تا حدودی بی‌هنجاری افزایش پیدا می‌کند. در ارتباط با فرضیه هشتم همانطور که نتایج نشان می‌دهند بین سرمایه فرهنگی و انزوای اجتماعی همبستگی کم، مثبت و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی تا حدودی انزوای اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. اگرچه تصور بر این است که هر چقدر سرمایه فرهنگی بیشتر باشد میزان بیگانگی اجتماعی در بین افراد جامعه کمتر خواهد بود و نتایج تحقیق با یافته‌های پیشینه مورد بررسی قرابت زیادی دارد و گویا و مؤید این دیدگاه است، وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی از لحاظ شدت یک رابطه‌ی ضعیفی است؛ زیرا از آنجاکه خود سرمایه فرهنگی به همان مضمونی که بورديو به آن اشاره می‌کند و مدنظر اوست در بین مردم این منطقه و شهرستان سقز و بالأخص جامعه آماری مورد مطالعه که دانش آموزان می‌باشند قابل لمس نیست و مردم درک و شناخت دقیقی از این مفهوم ندارند، از طرف دیگر دستیابی به سرمایه فرهنگی لازم نیازمند داشتن سرمایه اقتصادی کافی است زیرا افراد برای اینکه ادامه تحصیل بدهند و مدارج بالای علمی کسب کنند یا مجلات و نشریات و روزنامه بخوانند و به کارهای هنری روی آورند نیازمند منابع مالی و سرمایه اقتصادی است. همانطور که بورديو می‌گوید اساساً سرمایه فرهنگی کسب شده در زمان جامعه‌پذیری اولیه در خانواده صورت می‌گیرد و این سرمایه فرهنگی به شیوه‌های خاصی که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی در افراد تثبیت می‌شود، اشاره دارد. کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلايق گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف از قبیل کتاب، روزنامه، سینما و

... را موجب می‌شود. براساس این نظر، سرمایه فرهنگی کسب شده دانش‌آموزان شهرستان سقز در طول زمان جامعه‌پذیری در خانواده به صورت ضعیفی صورت می‌گیرد یا اصلاً صورت نمی‌گیرد. به همین علت است که افراد مفاهیمی از قبیل سرمایه فرهنگی برای آنها ملموس نیست و به تبع آن نحوه زندگی و سلاقی افراد این منطقه تفاوت چندانی با هم ندارند یعنی در آنجا این طور نیست که طبقه‌ای گلف بازی کند و طبقه‌ای دیگر بازی‌های سطح پایینی بازی کند، معمولاً زندگی و سلاقی افراد این منطقه در سطح مشابهی هستند. در شهرستان سقز به دلیل شرایط فقر اقتصادی بیشتر به مسایل اقتصادی توجه می‌کنند و این مسأله نقش و اهمیت سرمایه فرهنگی در کاهش مسایلی از قبیل بیگانگی اجتماعی را کم اهمیت جلوه می‌دهد. در ثانی؛ دانش‌آموزان، افراد تحصیل کرده با مدارج بالای بیکار در شهرستان سقز را در خانواده‌های خود یا اطراف خود مشاهده می‌کنند و این می‌تواند تأثیر منفی در ادامه تحصیل آنها داشته باشد و از میزان بیگانگی اجتماعی آنها کاسته نشود بلکه بالعکس ممکن است باعث افزایش میزان بیگانگی اجتماعی شود و افراد احساس بیگانگی و جدایی با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه داشته باشند، در نتیجه چیزی که بورديو می‌گوید در اینجا واقع می‌شود یعنی بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی از طریق نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد و از طریق ساختار آموزشی ساختارهای طبقاتی بازتولید می‌شود یعنی فرزندان خانواده-هایی که از لحاظ سرمایه فرهنگی و اقتصادی در سطح بالایی می‌باشند می‌توانند به مراتب بالای تحصیلی برسند و در نهایت فرد از طریق کارآموزی منظمی که نظام آموزشی سازمان می‌دهد نظام کاملی از افکار و ادراکاتی را به دست می‌آورند که در فهم فرهنگ خویش از آن استفاده می‌کند و در واقع یکی از کارکردهای مدرسه به نظر بورديو که بازتولید فرهنگ می‌باشد به مرحله واقع در می‌آید. براساس این خانواده‌ها سرمایه بیشتری به مسأله آموزش و پرورش فرزندان خود می‌دهند. اگرچه در این شهر هم خانواده‌های طبقات پایین و بالای جامعه به امر آموزش و پرورش فرزندان خود اهمیت می‌دهند اما فرزندان طبقات پایین جامعه به دلیل نداشتن سرمایه اقتصادی و فرهنگی کافی در نهایت از ادامه تحصیل باز می‌مانند. بنابراین خانواده‌هایی که به لحاظ سرمایه فرهنگی در سطح پایینی هستند بیشتر احساس جدایی و بیگانگی با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارند و به همان نسبت احساس بی‌معنایی و بی‌قدرتی می‌کنند. بنابراین نتایج حاصله از آزمون‌های آماری، این واقعیت را در این شهرستان نشان می‌دهد که میزان از خود بیگانگی در بین دانش‌آموزان شهرستان، اگرچه دارای رابطه معکوس و به لحاظ آماری با سرمایه فرهنگی معنی‌دار است ولی به علت ضعیف بودن رابطه و میزان همبستگی بنظر می‌رسد که سرمایه فرهنگی در این مکان و در این مقطع زمانی نمی‌تواند به نحوی گویا عامل اصلی بیگانگی اجتماعی در میان این قشر از جامعه باشد و عوامل دیگری مثل سرمایه اقتصادی می‌تواند بهتر گویای بیگانگی اجتماعی

باشد. همانطور که نتایج کلی این تحقیق نشان می‌دهد تا حدودی می‌توان گفت که نتایج این تحقیق با چارچوب نظری مورد نظر هماهنگی دارد.

فهرست منابع

- ۱- ابراهیمی لو، عادل، (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر نابرابری اجتماعی بر توزیع سرمایه فرهنگی و نقش سرمایه فرهنگی در بازتولید طبقات اجتماعی، فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۲۵.
- ۲- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- ۳- رسولی، زهره، (۱۳۸۵)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- ۴- ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۰)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۵- سمیعی، زهره، (۱۳۷۹)، تأثیر سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها بر موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- ۶- شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا، (۱۳۸۱)، رابطه سرمایه فرهنگی با هویت جوانان شهر تهران، تهران: نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۰.
- ۷- طالبی، ابوتراب، (۱۳۷۳)، بیگانگی اجتماعی (به همراه بررسی تعلقات ارزشی دانش آموزان سال سوم و چهارم شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۴)، اندیشه اجتماعی پیر بوردیو در <http://www.fakouhi.com/node/>
- ۹- قصابی، رضوان، (۱۳۸۶)، بررسی اثرات دینداری بر بیگانگی اجتماعی (مطالعه دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۰- محسنی تبریزی، علیرضا، (بی‌تا)، آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی (بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های دولتی تهران)، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۶.
- ۱۱- نیازی، محسن و کارکنان، محمد، (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم. ش ۳.

12- Barakat, H. 1979. Alienation: A process of encounter between utopia and reality. *The British journal of sociology*, 20 (2): 1-10.

13- Bennett, T, & Savage ,M.2004. Introduction: *Cultural Capital and Cultural policy*, Internet- website://<http://www.informaworld.com>.

- 14- Bourdieu, P .1990 . *Reproduction in education sociology and culture*. London. Newbury park.
- 15- Bourdieu, P .1986. *The forms of capital*. J.G. Richardson(ed) *hand book of theory and research for the sociology of education*, network. Green wood press.
- 16- Diane, R. 2005. *Education and Cultural Capital: The Emplication of changing Trends in Education policies*. Internet- website:// www. Ignettalonnnect.com/content/routledgh.
- 17- Emmison, M.1998. *Information Technology as cultural capital in Australian universities Review*. 1: 41-45.
- 18- Galassi, P. and Galassi, D. Merna. 1973. Alienation in college students: A comparison of counseling seekers and Non seekers'. *Journal of counseling psychology*. 20 (1): 44-49.
- 19- Lin, N. 1990. Building a network theory of social capital, in nam lin, Katern cook and ronalds, burt, social capital. *Theory and research*, New York: Adine de gruyter.
- 20- Marshall, G. 1998. *Oxford dictionary of sociology*. Second edition, oxford university press.
- 21- Sankey, M. and Huon, F. G. 1999. Investigating the role of alienation in a multicomponent model of juvenile delinquency. *Journal of adolescence*, 22(1): 95-107.
- 22- Scandizzo, P.L. 2004. *Cultural goods consumption and cultural capital*. Internet, website:<http://www.2.unisiegen.de/dept/fb05/wwliv/papers/current>.
- 23- Seeman, M. .1959. On the meaning of alienation. *American Sociological Review*. 24: 783-791.
- 24- Turner, J. 1998. *The Structure of sociological theory*. Wadsworth Publishing. United States of America.